

مقایسه بخشی در کودکان پیش دبستانی با بافتار مذهبی و عادی*

شعله امیری

دانشیار روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

فریناز معصوم زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

چکیده

هدف از این پژوهش مقایسه میزان بخشش در کودکان پیش دبستانی با بافتار مذهبی و عادی است. جامعه آماری دربرگیرنده تمامی کودکان پیش دبستانی مهد کودک‌های قرآن و مهد کودک‌های عادی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ است. نمونه پژوهش شامل ۶۰ نفر از کودکان پیش دبستانی (سن ۵۶ سال؛ ۳۳ پسر و ۲۷ دختر) است که ۳۰ نفر آنها از مهدهای قرآن و ۳۰ نفر از مهدهای عادی به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. ابزار پژوهش چهار تکلیف (تنه‌زدن، مسخره کردن، برداشتن وسایل دیگران و تخریب اموال دیگران) است که براساس مصاحبه، نظر کودکان درمورد بخشش بررسی و مقایسه شد. داده‌ها با استفاده از روش آماری مجذور خی مقایسه شدند. تحلیل داده‌ها نشان داد که تفاوت معنی‌داری در چهار تکلیف ارائه شده بین کودکان در بافتار مذهبی (مهدهای قرآن)

* این مقاله با حمایت و همکاری قطب علمی روان‌شناسی معنویت و شادی دانشگاه اصفهان انجام شده است.

و کودکان با بافتاری عادی وجود دارد. نتایج مبین میزان بخشش بیشتر در کودکان با بافتار مذهبی بود. این نتایج براساس دو نکته قابل تبیین است، نکته اول این است که خود مهد قرآن در پرورش حس بخشش در کودکان مؤثر بوده است؛ نکته دوم اینکه والدینی که گرایش‌های مذهبی بیشتری دارند، کودکان خود را به مهدهای قرآن می‌فرستند؛ بنابراین، این احتمال وجود دارد که کودکان مهد قرآن در خانواده‌های خود تمایل یافته‌اند که بخشش بیشتری داشته باشند، چراکه ممکن است توصیه‌های دینی درباره عفو و بخشش در خانواده‌های آنها چشمگیر بوده باشد و این احتمال می‌تواند مطرح شود که افرادی که تمایلات مذهبی قوی‌تری دارند تمایل بیشتری به بخشش دارند.

کلیدواژه‌ها: بخشش، کودکان پیش‌دبستانی، بافتار مذهبی، بافتار عادی.

مقدمه

واژه بخشش یا عفو که درمقابل انتقام به‌کار گرفته شده، به معنی صرف‌نظر از حق خود است. از نظر علما بخشش یک ویژگی اخلاقی است که بر اثر آن فردی که در معرض مشاجره فردی (مانند اهانت) قرار گرفته است، خطای فرد متخاصم را نادیده می‌گیرد و تلاش فعالی برای جایگزینی تفکرات بد با خوب، تلخی و عصبانیت با مهربانی، احساسات منفی (مانند عصبانیت، تنفر) با احساسات مثبت (مانند دلسوزی، خیرخواهی و حتی عشق) است (جوادی آملی، ۱۳۸۵). عفو برای کسی که قدرت استیفای حق خود را دارد کار آسانی نیست، زیرا باید خشم برافروخته خود را فروبنداند و از حق مسلم خود بگذرد، درحالی‌که گرفتن آن مقدور وی است. با عفو و بخشش انگیزه‌های اصلی برای انتقام‌جویی و اجتناب از تماس با فرد مهاجم کاهش می‌یابند و سایر انگیزه‌های سودمند ارتباطی (مانند ایجاد ارتباط مثبت و همدلی) دوباره زنده می‌شوند. در قرآن و منابع روایی از این واژه به شکلی مکرر استفاده شده است. به‌گونه‌ای که واژه عفو و مشتقات آن ۵۲ مرتبه در آیات قرآن به‌کار رفته است.

اخلاقیات و صفات نیک انسانی بازتابی از صفات پروردگار است. از آنجاکه انسان مظهر

خلیفه‌الله (بقره: ۳۰) و محور خلافت الهی تعلیم اسماء‌الله است و القای این آموزه‌ها در پرتو رهنمودهای انبیا به آدمی صورت می‌گیرد (بقره: ۳۱)؛ از این رو، الگوگیری و توجه به زندگی و راه و روش رفتاری بزرگان دین، انبیا و اولیای الهی، ائمه معصومین (ع) و شخصیت‌های کاملی که سرچشمه کامل عفو و بخشش بودند به آدمی می‌آموزد که می‌تواند با پیروی از این الگوهای بشری و به‌ویژه از طریق اسوه حسنه (احزاب: ۲۱) به‌طور کامل، مظهر اسما و تجلی صفات الهی در هستی قرار گیرد. صفت عفو از صفات جمالیه حق تعالی است و کسی که تحت تربیت رب العالمین واقع و مربوب ذات مقدس حق تعالی شد، باید در او جلوه‌ای از صفات جمال حق حاصل شود و از بزرگ‌ترین اوصاف حق، رحمت بر عباد و تجاوز از سیئات و عفو از خطا است؛ بنابراین، وجود عفو و بخشش در شخص بیانگر تجلی و ظهور صفت عفو خداوندی در زمینه فردی و اجتماعی در ذات شخص است.

با توجه به اینکه عفو و بخشش از ویژگی‌های انسانی و اخلاقی و انعکاسی از جلوه الهی در انسان است، پرداختن به این مفهوم، به‌ویژه در پایین‌ترین سطح پدیدآیی آن یعنی در کودکان، اهمیت وافری دارد. جنبش روان‌شناسی مثبت در توجه روان‌شناسان به بخشش تأثیر بسزایی داشته و بخشش یکی از توانایی‌های مثبت انسان در نظر گرفته شده است.

در فرهنگ‌نامه آکسفورد بخشش عمل بخشودن و حالتی از بخشیدگی تعریف می‌شود. این تعریف ناظر بر آن است که بخشش حالتی فعالانه و منفعلانه دارد و هم شامل آن چیزی است که دهنده می‌دهد و هم چیزی که گیرنده عایدش می‌شود. در فرهنگ‌نامه وبستر نیز بخشش به‌صورت رهایی از احساس انزجار درباره عمل ارتكابی غلط، اغماض از طلب خسارت یا جبران عمل ازسوی فرد خاطی و چشم‌پوشی از تفسیر وی تعریف شده است.

ورود بخشش در مباحث روان‌شناختی از دهه ۱۹۸۰، به‌عنوان فرایند چشم‌پوشی ارادی از عصبانیت و انزجار از یک عمل ارتكابی پُرگزند که شخص متألم رفتاری گرم و

محبت‌آمیز را با فرد خاطی در پیش می‌گیرد (نورث ۱۹۸۷) مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفت. در بررسی‌های انجام‌گرفته، رابرت اینرایت پیش‌گام در ارائه نظریه بخشش در اوایل دهه ۱۹۸۰ است. اما از بعد تحولی، مطالعات انجام‌گرفته در بین تحولی‌نگران به تحول اخلاقی پیازه اشاره دارد. پیازه اولین فردی است که در بین تحولی‌نگران به بخشش اشاره کرده است (پیاژه، ۱۹۶۵/۱۹۳۲) اگرچه مطالبی که در کتاب تحول اخلاقی در باب بخشش مطرح کرده است به چند صفحه محدود می‌شود، همین چند صفحه پیازه را در ردیف پیشگامان توجه به مسئله بخشش قرار می‌دهد.

پیاژه بیان می‌کند که بخشش چیزی فراتر از یک تقابل منطقی ریاضی^۱ است. بخشش یک حس تقابل ایدئال^۲ را مطرح می‌کند و می‌توان این‌گونه بیان کرد که آنچه می‌خواهید دیگران در حق شما انجام دهند، شما هم در حق ایشان همان را انجام دهید (یا هرچه به خود می‌پسندی به دیگران هم بپسند و هرچه به خود نمی‌پسندی به دیگران هم بپسند). در کلمات پیازه مفهوم کامل بخشش بیان شده است:

«رفتارهایی که صحیح در نظر گرفته می‌شوند، رفتارهایی هستند که تقابل بی‌حد و حصر^۳ را نشان می‌دهند» (همان: ص ۲۵۸).

مفهوم بخشش یا تقابل بی‌حد و حصر به این معنا است که چون شما در گذشته بخشیده شده‌اید، به همین خاطر در آینده می‌بخشید. این مفهوم پیچیده است؛ پس طبق گفته پیازه تا قبل از اواخر دوره کودکی درک‌شدنی نیست. این مطالب یا «هرچه به خود می‌پسندی به دیگران هم بپسند» و «بخش تا بخشیده شوی» ما را به یاد احادیثی از معصومین می‌اندازد. گرچه در این مقاله هدف مقابله یا مقایسه نظر روان‌شناسان با احادیث مطرح‌شده از طرف بزرگان دینی نیست؛ چراکه این مطالب و گفته‌ها در یک سطح نیستند که بتوان آنها را با هم مقابله و مقایسه کرد و تنها توجه ما را به این نکته جلب می‌کنند که مطالب ذکرشده در تاروپود فرهنگ دینی ما جای دارد و توجه به آن هم ضروری و هم جالب خواهد بود.

1. Mathematical reciprocity
2. Ideal reciprocity
3. Infinite reciprocity

شهرت اینرایت و گروه روان‌شناسی تحولی، در انجام اولین مطالعات آزمایشی بر روی تحول بخشش است (اینرایت، سنتوس و المابوک،^۱ ۱۹۸۹؛ اینرایت و گروه مطالعه تحول انسان، ۱۹۹۴، ۱۹۹۱؛ اینرایت، گاسین و وو،^۲ ۱۹۹۲). نظریه تحول استدلال مربوط به بخشش اینرایت بعد از نظریه کلبِرگ (۱۹۷۶) درمورد تحول استدلال اخلاقی مطرح شد. مراحل مدل اینرایت با مراحل مدل کلبِرگ مطابقت دارد. در ابتدایی‌ترین مراحل (بخشش انتقام‌جویانه^۳ و بخشش جبرانی^۴) بخشش فقط زمانی صورت می‌گیرد که از خطا کار انتقام گرفته شود یا اینکه تنبیه مناسبی شود. در مراحل میانی (بخشش براساس انتظارات^۵ یا بخشش برای هماهنگی اجتماعی^۶) بخشش فقط برای خشنودی افراد مهمی صورت می‌گیرد که وجود دارند. تنها در بالاترین مرحله این مدل (بخشش به دلیل عشق^۷) است که بخشش به عنوان یک تمایل بدون قید و شرط تصور می‌شود و به عنوان ارتقادهنده نگرش مثبت و میل خوب بودن در نظر گرفته می‌شود. همین مرحله آخر، روشن‌کننده تفاوت مفهوم بخشش از نظر پیازه و اینرایت است. طبق نظر اینرایت (۱۹۹۴) بخشش به علت اینکه خود یک استعداد ذاتی^۸ مثل ویژگی‌های شخصیت است، مستلزم هیچ نوع تقابلی (حتی تقابل بی‌حد و حصر) که پیازه (۱۹۳۲) بیان می‌کند، نیست.

روشی که در تحقیق اینرایت برای آزمایش مدل او استفاده شد مستقیماً از کلبِرگ (۱۹۷۶) گرفته شده است. در مطالعه اینرایت میانگین نمرات شرکت‌کنندگان سنین ۹ تا ۱۰ سال، در مرحله دوم قرار گرفتند. این بدین معنا است که به‌طور میانگین، آزمودنی‌های کم‌سن‌تر بر این باورند که بخشش فقط زمانی می‌تواند اتفاق بیفتد که همان چیزی که گرفته شده

-
1. Enright, Santos, & Al-Mabuk
 2. Enright, Gassin, & Wu
 3. Revengeful forgiveness
 4. Restitutional forgiveness
 5. Expectational forgiveness
 6. Forgiveness as social harmony
 7. Forgiveness as love
 8. Giftlike character

به‌طور کامل جایگزین یا جبران شود. این دسته مربوط به مرحله‌ای است که اینرایت آن را مرحله پیش‌بخشش^۱ نامیده است. نمرات آزمودنی‌های ۱۵ تا ۱۶ ساله در مرحله سوم قرار گرفتند. این بدین معنا است که به‌طور میانگین، نوجوانان تمایل به این داشتند که بخشش زمانی می‌تواند اتفاق بیفتد که بخشیدن در نظر اطرافیان نزدیک مطلوب باشد، حتی اگر چیزی که گرفته شده بازگردانده نشود (برای آزمودنی‌های ۱۲ تا ۱۳ ساله، میانگین نمره در مرحله دوم قرار گرفت). سرانجام میانگین نمرات نشان داد که دانشجویان و بزرگسالان در مرحله چهارم قرار گرفتند؛ به این معنا که بزرگسالان، جوانان یا میانسالان تمایل داشتند که بخشش می‌تواند بدون هیچ دخالتی از طرف خانواده یا دوستان، پیامد یک نگرش مذهبی یا فلسفی باشد؛ حتی اگر جبرانی صورت نگیرد. تعداد کمی از افراد توانستند در مرحله ششم (بخشش از روی عشق) طبقه‌بندی شوند (هفت نفر بزرگسال برای هر مسئله).

تفاوت‌های فردی بسیاری بین گروه‌های سنی مشاهده شد. انحراف استاندارد به‌دست‌آمده در داخل گروه‌های سنی در حدود ۰/۷۰ بود؛ به این معنا که در هر رده سنی تقریباً ۴۰ درصد نمره آزمودنی‌ها پایین‌تر از کیفیت مرحله بخشش مشاهده شده قرار داشت. تفاوت جنسیتی مشاهده نشد. ارتباط بین سن و سطح بخشش قوی بود (تقریباً حدود ۰/۷۰). ارتباط بین نمرات تست DIT (تست تحول اخلاقی رست) و سطح بخشش پایین بود (حدود ۰/۵۰). الگویی از نتایج به‌دست‌آمده از نمونه‌های امریکایی اینرایت متعاقباً در یک نمونه تایوانی (هوانگ،^۲ ۱۹۹۰؛ به نقل از اینرایت و همکاران، ۱۹۹۲) و یک نمونه کره‌ای (پارک^۳ و اینرایت، ۱۹۹۷) تکرار شده است. در پژوهش‌های تحولی مرتبط با بخشش نکته مهم متفاوت بودن بخشش در سنین مختلف است. کودکان کوچک‌تر و نوجوانان به‌طور میانگین کمترین تمایل به بخشش و سالخوردگان بیشترین تمایل به

1. preforgiveness

2. Huang

3. Park

بخشش را دارند (آلمند،^۱ ۲۰۰۸؛ اینرایت، گاسین و وو،^۲ ۱۹۹۲؛ گیرارد و مالی،^۳ ۱۹۹۷؛ کراس و الیسون،^۴ ۲۰۰۳؛ استینر، المند و مک گالف،^۵ ۲۰۱۱). به نظر می‌رسد توانایی افراد در تنظیم هیجان‌ات و عملکردهای آنها در مواجهه با مشکلات و تعارض‌های بین فردی با افزایش سن افزایش می‌یابد به همین دلیل توانایی افراد در بخشش با افزایش سن افزایش می‌یابد.

نکته مهم در پژوهش حاضر این است که آیا میزان بخشش و استدلال‌های مرتبط با آن بین کودکانی که در بافتی (حتی ظاهراً) مذهبی تر قرار دارند با کودکانی که در چنین بافتی زندگی نمی‌کنند، از نظر میزان بخشش با هم تفاوت داشتند؟ برای نیل به این هدف دو گروه کودکانی که به مهد قرآن می‌رفتند و کودکانی که به مهدهای عادی می‌رفتند انتخاب شدند تا دیدگاه آنان درباره بخشش مقایسه شود.

روش

برای انجام پژوهش از روش علی مقایسه‌ای استفاده شد. جامعه آماری دربرگیرنده تمامی کودکان پیش‌دبستانی مهد قرآن و مهدهای عادی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ بود. نمونه پژوهش دربرگیرنده ۶۰ نفر از کودکان پیش‌دبستانی (سن ۵-۶ ساله که ۳۳ نفر آنان پسر و ۲۷ نفر دختر) بود که ۳۰ نفر از مهدهای قرآن و ۳۰ نفر از مهدهای عادی به صورت تصادفی انتخاب شده بودند.

ابزار پژوهش چهار تکلیف (تنه‌زدن، مسخره‌کردن، برداشتن وسایل دیگران و تخریب اموال دیگران) بود که براساس مصاحبه، نظر کودکان درمورد بخشش بررسی شد. در هر تکلیف رفتار خاصی مورد نظر بود و در طی هر تکلیف که دربرگیرنده داستانی بود، سؤالی

-
1. Allemand
 2. Enright, Gassin, & Wu
 3. Girard & Mullet
 4. Krause & Ellison
 5. Steiner, Allemand. & McCullough

از کودک پرسیده شد.

داستان اول: رفتار تنه‌زدن بود که در آن داستانی برای کودک گفته شد، سپس از کودک خواسته شد ارزیابی کند آیا فردی که تنه زده، قابل بخشایش است؟ چرا؟

داستان دوم: داستان مسخره‌کردن بود که در آن داستانی برای کودک گفته شد، سپس از کودک خواسته شد که ارزیابی کند آیا فردی که تمسخر کرده، قابل بخشایش است؟ چرا؟

داستان سوم: برداشتن وسایل دیگران بود که در آن داستانی برای کودک گفته شد، سپس از کودک خواسته شد که ارزیابی کند آیا فردی که وسایل دیگری را برداشته، قابل بخشایش است؟ چرا؟

داستان چهارم: تخریب اموال دیگران بود که در آن داستانی برای کودک گفته شد، سپس از کودک خواسته شد که ارزیابی کند آیا فردی که اموال دیگری را تخریب کرده، قابل بخشایش است؟ چرا؟

نمره‌گذاری پروتکل‌ها از طریق کدگذاری پاسخ‌ها انجام گرفت و در نهایت برای بررسی اعتبار نتایج، ۱۵ درصد پروتکل‌ها از طریق درجه‌بندی بین ارزیابان بررسی شد. همبستگی نمرات نظر ارزیابان ۰/۹۴ بود. داده‌های به‌دست‌آمده از طریق نرم‌افزار SPSS 16 و روش آماری مجذور خی بررسی شد.

نتایج

داده‌های پژوهش با روش آماری مجذور خی بررسی شد. نتایج برای تکالیف متفاوت به‌صورت زیر ارائه شده است:

در پاسخ به این سؤال که آیا کودک فرضی کودک مقابل را می‌بخشد در تکالیف ۱ یا تنه‌زدن، ۲ یا مسخره‌کردن، ۳ یا برداشتن وسایل دیگران، ۴ یا تخریب اموال دیگران تفاوت معنی‌داری بین دو گروه مشاهده شد. جدول زیر نتایج مرتبط با تفاوت گروه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. بررسی تفاوت‌های مشاهده‌شده در تکلیف تنه‌زدن
برای ارزیابی بخشش بین دو گروه

کل	بخشیدن در داستان تنه‌زدن		گروه
	بخشش	عدم بخشش	
۳۰	۱۳	۱۷	مهد قرآن
۳۰	۸	۲۲	فراوانی موردانتظار
۳۰	۳	۲۷	مهد غیرقرآن
۳۰	۸	۲۲	فراوانی موردانتظار

نتایج مجذور خی نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار ($P < 0/004$) در ارزیابی بخشش در تکلیف تنه‌زدن بین کودکان مهد قرآن و کودکان مهد غیرقرآن وجود دارد.

نمودار ۱: تفاوت‌های دو گروه در تکلیف تنه‌زدن

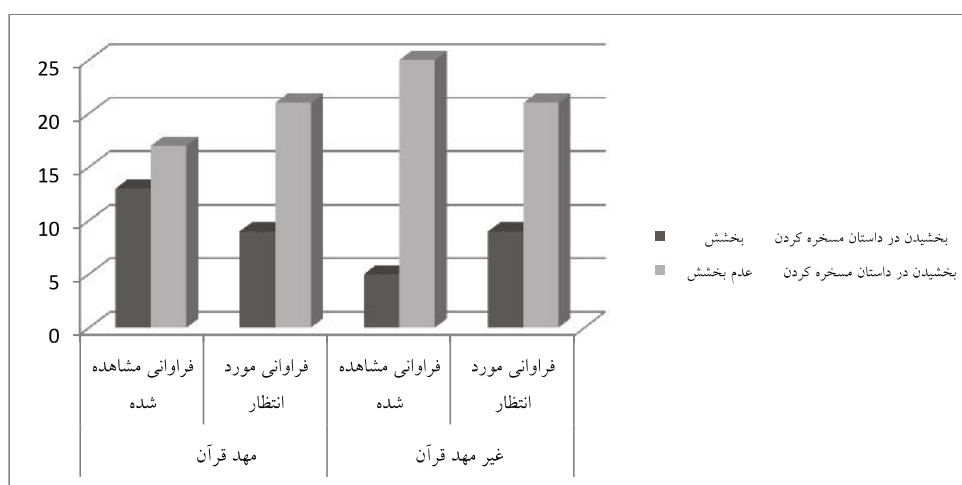


جدول ۲. بررسی تفاوت‌های مشاهده‌شده در تکلیف مسخره کردن
برای ارزیابی بخشش بین دو گروه

کل	بخشیدن در داستان مسخره کردن		گروه
	بخشش	عدم بخشش	
۳۰	۱۳	۱۷	فراوانی مشاهده‌شده
۳۰	۹	۲۱	فراوانی موردانتظار
۳۰	۵	۲۵	فراوانی مشاهده‌شده
۳۰	۹	۲۱	فراوانی موردانتظار

نتایج مجذور خی در تفاوت بین دو گروه از نظر آماری معنی‌دار ($P < 0/024$) است. مقایسه فراوانی‌ها نمایانگر نتایج مثبت برای کودکان مهد قرآن بود؛ به عبارت دیگر، کودکان مهد قرآن در تکلیف مسخره کردن دیگران نسبت به کودکانی که به مهدهای غیرقرآنی می‌رفتند، بخشش بیشتری داشتند.

نمودار ۲. مقایسه فراوانی‌های دو گروه مهد قرآن و مهد غیرقرآن در تکلیف مسخره کردن

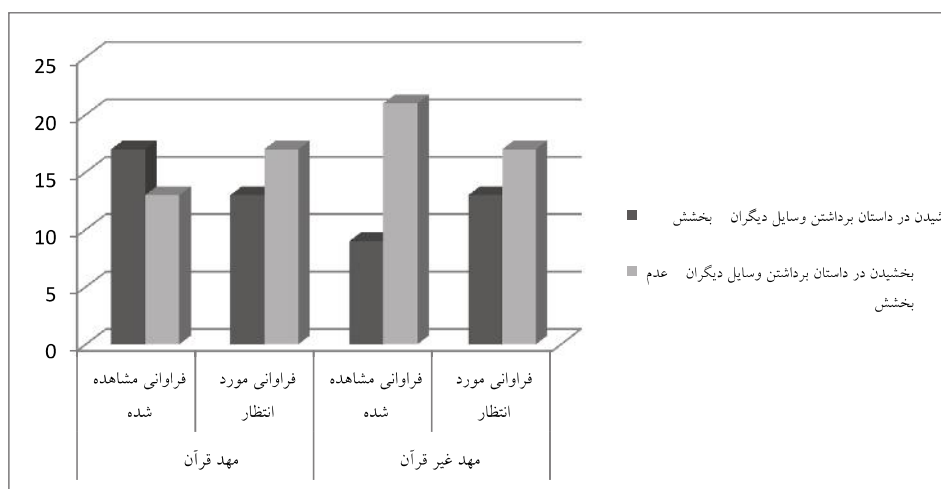


جدول ۳. بررسی تفاوت‌های مشاهده‌شده در تکلیف برداشتن وسایل دیگران برای ارزیابی بخشش بین دو گروه

کل	بخشیدن در داستان برداشتن وسایل دیگران		گروه
	بخشش	عدم بخشش	
۳۰	۱۷	۱۳	مهد قرآن
۳۰	۱۳	۱۷	مهد غیر قرآن
۳۰	۹	۲۱	فرآوانی مشاهده‌شده
۳۰	۱۳	۱۷	فرآوانی موردانتظار

نتایج مجذور خی در تکلیف برداشتن وسایل دیگران حاکی از تفاوت معنی‌دار ($P < 0/038$) بین دو گروه بوده است. مقایسه فرآوانی‌ها نشانگر انتخاب بیشتر بخشش در تکلیف برداشتن وسایل دیگران است.

نمودار ۳. مقایسه فرآوانی بخشش دو گروه در تکلیف برداشتن وسایل دیگران



جدول ۴. بررسی تفاوت‌های مشاهده‌شده در تکلیف تخریب اموال دیگران برای ارزیابی بخشش بین دو گروه

کل	بخشیدن در داستان تخریب اموال		گروه
	می‌بخشد	نمی‌بخشد	
۳۰	۱۶	۱۴	مهد قرآن مشاهده‌شده فراوانی
۳۰	۱۲.۵	۱۷.۵	مهد قرآن فراوانی موردانتظار
۳۰	۹	۲۱	مهد غیرقرآن مشاهده‌شده فراوانی
۳۰	۱۲.۵	۱۷.۵	مهد غیرقرآن فراوانی موردانتظار

نتایج مجذور خی تفاوت معنی‌داری ($P < 0/05$) را بین فراوانی دو گروه در تخریب اموال دیگران نشان می‌دهد. مقایسه فراوانی‌های دو گروه نشان‌دهنده تعداد بیشتر کودکان مهد قرآن در بخشیدن افراد در تکلیف تخریب اموال دیگران است.

نمودار ۴. تفاوت دو گروه در تکلیف تخریب اموال دیگران



همان‌طور که نمودار ۴ نشان می‌دهد، تفاوت معنی‌داری بین نظر کودکان در رفتار

تخریب اموال دیگران مشاهده می‌شود. کودکان مهد قرآن میزان بخشش بیشتری از خود نشان دادند.

نتیجه نهایی که از داده‌های این بررسی حاصل شده است نشان می‌دهد کودکان با بافتار مذهبی میزان بخشش بیشتری در قضاوت‌های خود در داستان‌ها و تکالیف عرضه شده داشتند.

نتیجه‌گیری

با توجه به جست‌وجوهای به‌عمل‌آمده، پژوهش مشابهی یافت نشد که درباره موضوع مذکور مطالعه کرده باشد تا مطابقت و عدم مطابقت نتایج آنها بررسی شود؛ به‌طورکلی، نتایج نشان داد که فرایند بخشش در کودکان براساس بافتاری مذهبی می‌تواند پرورش یابد. اگرچه بخشش در چهار تکلیف در دو گروه مشاهده شد، کودکانی که به مهد قرآن می‌رفتند نسبت به کودکانی که به مهد قرآن نمی‌رفتند، تمایل به بخشش بیشتری داشتند. این نتایج براساس دو نکته قابل تبیین است: نکته اول اینکه مهد قرآن در پرورش حس بخشش در کودکان مؤثر بوده است و دوم اینکه والدینی که گرایش‌های مذهبی بیشتری دارند کودکان خود را به مهدهای قرآن می‌فرستند؛ بنابراین، این احتمال وجود دارد که کودکان مهد قرآن در خانواده‌های خود این تمایل را یافته‌اند که بخشش بیشتری داشته باشند، چراکه توصیه‌های دینی درباره عفو و بخشش چشمگیر است و افرادی که تمایلات مذهبی قوی‌تری دارند، تمایل بیشتری به بخشش دارند.

به‌نظر می‌رسد اینکه در هر دو گروه بخشش مشاهده شد ولی گروهی که در بافتاری مذهبی بسر می‌بردند میزان بخشش بیشتری داشتند، بیانگر این باشد که بخشش فرایندی قابل اکتساب است و در محدوده تربیت می‌تواند افزایش یابد. در پاسخ به این سؤال که چرا بخشش در بافتاری مذهبی گسترش بیشتری می‌یابد می‌توان به مفاهیم و منابع در دسترس در بافتار مذهبی اشاره کرد که کودک در آن زندگی می‌کند. از جمله:

خداوند در آیات بسیاری بر ارزشمندی عفو و بخشش تأکید کرده و از صاحبان حق

خواسته که برخلاف حق و حقوق خویش از باب انسانیت، از خطا و اشتباه دیگری در گذرند و بر رفتار نادرست و نکوهیده وی چشم ببوشند و آن را نادیده گیرند. اهمیت این مفهوم از این رو است که:

الف- عفو و گذشت دستور خداوند است؛ در موارد متعددی از قرآن کریم دستور داده شده است که مردم این روش پسندیده (عفو) را برای خود انتخاب کنند و اگر از برادر دینی خود لغزش و اشتباهی دیدند از خطای او درگذرند. قرآن در سوره اعراف آیه ۱۹۹ می‌فرماید:

«با آنها مدارا کن، عفو و گذشت را شیوه خود قرار ده و به نیکی‌ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان و با آنها ستیزه نکن».

ب- عفو از خصوصیات پرهیزکاران است. قرآن مجید عفو و بخشش را از ویژگی‌های پرهیزکاران می‌داند و می‌فرماید:

«پرهیزکاران آنها هستند که در وسعت و پریشانی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطاهای مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد» (آل عمران: ۱۳۴).
خداوند متعال در این آیه سیمای پارسایان را به تصویر می‌کشد، تسلط بر خشم و عفو و بخشش را از برجسته‌ترین ویژگی آنها برمی‌شمارد.
اهمیت این بعد از اخلاق باعث شده است احادیث بسیاری در زمینه جایگاه این فضیلت اخلاقی و تمسک به آن روایت شود:

الف- عفو و گذشت در رأس ارزش‌ها قرار دارد. حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«عفو و گذشت زینت فضایل اخلاقی و بزرگواری‌ها است» (آمدی، ۱۳۶۶).

ب- عفو برترین مکارم اخلاق: هرگاه بردباری و بخشش خلق و خوی آدمی شود و به صورت ملکه درآید نشان از تعالی روح داشته و برترین مکارم اخلاق به‌شمار می‌رود.
امام صادق (ع) از رسول خدا نقل می‌کنند که فرمود:

«آیا شما را از بهترین اخلاق دنیا و آخرت آگاه نسازم؟ پیوند با کسی که با تو قطع رابطه کرده، احسان به کسی که تو را محروم ساخته و گذشت از کسی که به تو ظلم کرده

است» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ج ۸، ص ۳۸۳۳).

امام صادق (ع) فرمودند:

«سه چیز از مکارم دنیا و آخرت‌اند: درگذری از کسی که به تو ستم کرده و پیوند با کسی که از تو بریده و بردباری هنگامی که با تو نادانی کنند» (کلینی، ۱۳۶۷).

ج- عفو مایه عزت: در حدیثی از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمود:

«عفو و بخشش را شیوه خود قرار دهید، زیرا عفو و گذشت جز بر عزت انسان نیفزاید پس نسبت به یکدیگر گذشت داشته باشید تا خدا شما را عزیز گرداند» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹).

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«حضرت موسی عرض کرد: خدایا! کدام یک از بندگان نزد تو محبوب‌ترند؟ خدای متعال فرمود: کسی که هنگام قدرت عفو کند» (فیض کاشانی، ۱۳۷۲).

د- عفو شکرانه قدرت: حضرت علی (ع) فرمود:

«هنگامی که بر دشمن خود پیروز شدی عفو را شکرانه پیروزی قرار ده» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹).

همچنین، علی (ع) فرمود:

«شایسته‌ترین مردم به عفو، توانمندترین آنها به مجازات و کیفر است» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶).

عفو هنگام قدرت، روش فرستادگان الهی و اهل تقوا است. گذشت زکات پیروزی

است (گیلانی، ۱۳۴۴) و گذشت زکات قدرت است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹).

امام علی (ع) می‌فرماید:

«گذشت زیور قدرت و توانایی است».

همچنین، می‌فرماید:

«گذشت با قدرت و توانایی، سپری است از عذاب خدای سبحان. گذشت موجب مجد و

بزرگی است».

نتیجه‌ای که از این منابع لایزال یعنی قرآن و منابع روایی می‌توان گرفت این است که

توصیه‌ی اساسی در فرهنگ دینی و مذهبی تأکید بر مفاهیم اخلاقی و از جمله بخشش است؛ بنابراین، نتیجه‌ی حاصل‌چندان هم غیرمنتظره نبوده است. ضمن اینکه این پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر این تفکر بنیادین که بخشش ارمغانی است که خداوند در وجود انسان تعبیه کرده است، قابلیت پرورش این ویژگی انسانی و اخلاقی نیز ارمغان دیگری است که لایق قدردانی بندگان است.

در انجام این پژوهش محدودیت‌هایی وجود داشت که پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بعدی به رفع آن پردازند؛ اولاً، این پژوهش فقط بر روی کودکان پیش‌دبستانی انجام گرفته؛ بنابراین، تعمیم‌پذیری آن با محدودیت مواجه است. ثانیاً، این پژوهش در شهر اصفهان انجام شده است و تعمیم آن به مناطق جغرافیایی سایر نقاط کشور و جهان به دلیل تفاوت‌های فرهنگی با محدودیت مواجه است.

کتابنامه

۱. آمدی، عبدالواحد. ۱۳۶۶. غررالحکم و دررالحکم. قم. دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. جوادی عاملی، عبدالله. ۱۳۸۵. تفسیر تسنیم. قم. اسراء.
۳. رضی، محمد. ۱۳۸۶. نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. قم. میراث ماندگار.
۴. صحیفه سجادیه. ۱۳۸۸. ترجمه سعید مطوف راشدی. قم. پیام علمدار.
۵. فیض کاشانی، ملامحسن. ۱۳۷۲. تفسیر الصافی. تهران. صدر.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۶۷. الکافی. تهران. دارالکتب الاسلامیه.
۷. گیلانی، عبدالرزاق. ۱۳۴۴. شرح مصباح الشریعه. تهران. دانشگاه تهران.
۸. محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۷۹. میزان الحکمه. ترجمه حمیدرضا شیخی. تهران. دارالحدیث.
۹. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۰. اخلاق در قرآن. قم. نسل جوان.
10. Allemand, M. 2008. "Age differences in forgivingness: The role of future time perspective". *Journal of Research in Personality*. 42., 1137–1147.
11. Enright, R. D., Santos, M. J. D., & A1-Mabuk, R. 1989. "The adolescent as forgiver". *Journal of Adolescence*, 12, 95-110.
12. Enright, R. D. & the Human Development Study Group 1994. «Piaget on the Moral Development of forgiveness: Identity or Reciprocity?» *Human Development*, 37, 63-80.
13. Enright, R. D., & the Human Development Study Group. 1991. "The moral development of forgiveness. In W. Kurtines & J. Givertz (Eds.)". *Handbook of moral behavior and development*, 1, 123-152. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
14. Enright, R. D., Gassin, E. and Wu, C. 1992. "Forgiveness: a developmental view". *Journal of Moral Education*, 21(2), 99-114.
15. Girard, M., & Mullet, E. 1997. "Propensity to forgive in adolescents, young adults, older adults, and elderly people". *Journal of Adult Development*, 4, 209–220.
16. Kohlberg, L. 1976. "Moral stages and moralization: the cognitive- developmental approach. In T Lickona (Ed.)". *Moral development and behavior: Theory, research, and social issues*. p. 31-53. New York. Holt, Rinehart & Winston.
17. Krause, N., & Ellison, C. G. (2003). Forgiveness by God, forgiveness of others, and psychological well-being in late life. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 42, 77–93.
18. North, J. 1987. "Wrongdoing and Forgiveness". *Philosophy*, 62, 499-508.
19. Park, Y. O. & Enright, R. D. 1997. "The development of forgiveness in the context of

- adolescent friendship conflict in korea”. Journal of Adolescence, 20 (4), 393-402
20. Piaget, J. 1932/1965. The moral judgment of the child. New York. Free Press.
21. Steiner, M., Allemand, M. ,& McCullough, M. 2011. “Age differences in forgivingness: The role of transgression frequency and intensity”. Journal of Research in Personality, 45, 670–678.